

Predigtlesung

Apostelgeschichte 6,1-7

- 1 در آن زمان که تعداد شاگردان زیادتر می‌شد یهودیان یونانی زبان از یهودیان عبری زبان شکایت کردند که در تقسیم خوراک روزانه، بیوه زنهای یونانی زبان از نظر دور می‌مانند.
- 2 پس آن دوازده رسول کلیه شاگردان را احضار کردند و گفتند: «شایسته نیست ما به‌خاطر رسانیدن غذا به دیگران از اعلام کلام خدا غافل بمانیم.
- 3 پس ای دوستان، از میان خودتان هفت نفر از مردان نیک نام و پر از روح‌القدس و با حکمت را انتخاب کنید تا آنان را مأمور انجام این وظیفه بنماییم
- 4 و اما ما وقت خود را صرف دعا و تعلیم کلام خدا خواهیم نمود.»
- 5 این پیشنهاد مورد قبول تمام حاضران در مجلس واقع شد و استیفان مردی پر از ایمان و روح‌القدس و فیلیپس، پرخروس، نیکانور، تیمون، پرمیناس و نیکلاوس را که قبلاً به دین یهود گرویده و اهل انطاکیه بود، برگزیدند.
- 6 این عده به رسولان معرفی شدند و رسولان دست بر سر آنان گذارده برای آنها دعا کردند.
- 7 پیام خدا پیوسته در حال انتشار بود و در اورشلیم تعداد شاگردان بسیار افزایش یافت و بسیاری از کاهنان نیز ایمان به مسیح را پذیرفتند.

13. Sonntag nach Trinitatis

Christus spricht:

Was ihr getan habt einem von diesen meinen geringsten Brüdern, das habt ihr mir getan.

بدانید آنچه به یکی از کوچکترین پیروان من کردید، به من کردید.

Matthäus 25,40

Eingangspsaln (Introitus)

Gesangbuch: 058 (Seite 176)

خوشا به حال رحم‌کنندگان، زیرا ایشان رحمت را خواهند دید.

چه کسی می‌تواند به بالای کوه خداوند برود و به درگاه مقدّس او داخل شود؟

کسی که کردار و پندارش پاک باشد.
کسی که بت‌پرستی نمی‌کند و قسم دروغ نمی‌خورد.

خداوند آنان را برکت می‌دهد و نجات می‌بخشد،
و خدا آنان را بی‌گناه محسوب خواهد نمود.
خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

از اول بود. الان. و تا ابد

Selig sind / die Barmherzigen; *
denn sie werden Barmherzig- /
keit erlangen.

Wer darf auf des / HERRN Berg ge-
hen, * und wer darf stehen an sei-
ner hei- / ligen Stätte?

Wer unschuldige Hände hat und /
reinen Herzens ist, * wer nicht
bedacht ist auf Lug und Trug und
nicht / falsche Eide schwört:

der wird den Segen vom / HERRN
empfangen * und Gerechtigkeit
von dem Gott / seines Heiles.

Ehre sei dem Vater / und dem
Sohne * und dem Hei- / ligen
Geiste,

wie es war im Anfang, / jetzt und
immerdar * und von Ewigkeit zu
E- / wigkeit. Amen.

Lesung aus dem Alten Testament

1. Mose 4,1-16

- 1 پس از آن آدم با زنش حوا همخواب شد و او آبستن شده پسری زاید. حوا گفت: «خداوند پسری به من بخشیده است.» بنابراین اسم او را قائن گذاشت.
- 2 حوا بار دیگر آبستن شد و پسری زاید و اسم او را هابیل گذاشت. هابیل چوپان و قائن کشاورز شد.
- 3 پس از مدتی قائن مقداری از محصول خود را به عنوان هدیه نزد خدا آورد.
- 4 هابیل هم اولین بره گله خود را آورد و قربانی کرد و بهترین قسمت آن را به عنوان هدیه به خدا تقدیم نمود. خداوند از هابیل و هدیه او خشنود گشت.
- 5 اما قائن و هدیه او را قبول نکرد. قائن از این بابت خشمگین شد و سر خود را به زیر انداخت.
- 6 خداوند به قائن فرمود: «چرا خشمگین شدی و سر خود را به زیر انداختی؟ اگر رفتار تو خوب بود، قربانی تو قبول می‌شد. ولی اگر خوب نباشد، گناه نزدیک در، در کمین توست و می‌خواهد بر تو مسلط گردد. اما تو باید او را مغلوب کنی.»
- 8 بعد، قائن به برادرش هابیل گفت: «بیا با هم به مزرعه برویم.» وقتی در مزرعه بودند، قائن به برادرش حمله کرد و او را کشت.
- 9 خداوند از قائن پرسید: «برادرت هابیل کجاست؟» او جواب داد: «نمی‌دانم. مگر من نگهبان برادرم هستم؟»
- 10 خداوند فرمود: «چه کار کرده‌ای؟ خون برادرت از زمین برای انتقام نزد من فریاد می‌کند.»
- 11 الآن در روی زمین، ملعون شده‌ای و زمین دهان خود را باز کرده تا خون برادرت را که تو ریختی، بنوشد.
- 12 وقتی زراعت کنی، زمین دیگر برای تو محصول نخواهد آورد و تو در روی زمین پریشان و آواره خواهی بود.»
- 13 قائن به خداوند عرض کرد: «مجازات من بیشتر از آن است که بتوانم آن را تحمل کنم. 14 تو مرا از کار زمین و از حضور خود بیرون کرده‌ای. من در جهان آواره و بی‌خانمان خواهم بود و هرکه مرا پیدا کند، مرا خواهد کشت.»
- 15 خداوند فرمود: «نه، اگر کسی تو را بکشد، هفت برابر از او انتقام گرفته خواهد شد.» پس خداوند نشانه‌ای بر قائن گذاشت تا هرکه او را ببیند، او را نکشد.
- 16 قائن از حضور خداوند رفت و در سرزمینی به نام سرگردان که در شرق عدن است، ساکن شد.

Lesung aus einem neutestamentlichen Brief

1. Johannes 4,7-12

- 7 ای عزیزان، ما باید یکدیگر را دوست بداریم، زیرا دوستی و محبت از جانب خداست. هرکه محبت دارد، فرزند خداست و خدا را می‌شناسد.
- 8 اما، آنکه محبت ندارد از خدا کاملاً بی‌خبر است، زیرا خدا محبت است.
- 9 و محبت خدا از این طریق به ما آشکار گردید که خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاد تا ما به وسیله او حیات داشته باشیم.
- 10 محبتی که من از آن سخن می‌گویم، محبت ما نسبت به خدا نیست، بلکه محبت خدا نسبت به ماست. محبتی که باعث شد او پسر خود را به عنوان کفاره گناهان ما به جهان بفرستد.
- 11 ای عزیزان، اگر محبت خدا به ما چنین است، ما نیز باید یکدیگر را دوست بداریم.
- 12 هیچ‌کس هرگز خدا را ندیده است، اما اگر ما یکدیگر را دوست بداریم، خدا در ما زندگی می‌کند و محبت او در ما به کمال می‌رسد.

Evangelium

Lukas 10,25-37

- 25 روزی یکی از معلمین شریعت آمد و از راه امتحان از او پرسید: «ای استاد، چه باید بکنم تا وارث حیات جاودان شوم؟»
- 26 عیسی به او فرمود: «در تورات چه نوشته شده؟ آن را چگونه تفسیر می‌کنی؟»
- 27 او جواب داد: «خداوند خود را با تمام دل و تمام جان و تمام قدرت و تمام ذهن خود دوست بدار و همسایه‌ات را مانند جان خود دوست بدار.»
- 28 عیسی فرمود: «درست جواب دادی. این کار را بکن که حیات خواهی داشت.»
- 29 اما او برای اینکه نشان دهد آدم بی‌غرضی است به عیسی گفت: «همسایه من کیست؟»
- 30 عیسی چنین پاسخ داد: «مردی که از اورشلیم به اریحا می‌رفت، به دست راهزنان افتاد. راهزنان او را لخت کردند و کتک زدند و به حال نیم‌مرده انداختند و رفتند.»
- 31 اتفاقاً کاهنی از همان راه می‌گذشت، اما وقتی او را دید از طرف دیگر جاده رد شد.
- 32 همچنین یک لاوی به آن محل رسید و وقتی او را دید از طرف دیگر عبور کرد.
- 33 پس از آن یک مسافر سامری به او رسید و وقتی او را دید، دلش به حال او سوخت.
- 34 نزد او رفت، زخمهایش را با شراب شست و بر آنها روغن مالید و بست. بعد او را برداشته، سوار چارپای خود کرد و به کاروانسرای برد و در آنجا از او پرستاری کرد.
- 35 روز بعد دو سگه نقره درآورد و به صاحب کاروانسرا داد و گفت: «از او مواظبت کن و اگر بیشتر از این خرج کردی، وقتی برگردم به تو می‌دهم.»
- 36 به عقیده تو کدامیک از این سه نفر همسایه آن مردی که به دست دزدان افتاد به حساب می‌آید؟»
- 37 جواب داد: «آن کسی که به او ترحم کرد.» عیسی فرمود: «برو مثل او رفتار کن.»